

دوفصلنامه پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

ISSN: ۲۳۸۴-۲۷۸۳

- بررسی انتقادی رابطه متن و تصویر در مجموعه یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی
- بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در داستان‌های ماهی سیاه کوچولو و موش مترو بر مبنای نظریه انتخاب کلاسر
- بررسی تطبیقی ماجراهای پری دریایی و بازگشت مرداد بر اساس رویکرد بیلتنیت
- بررسی فرهنگ عامه در اسلحه‌های کودکانه ایرانی
- بررسی عنصر خاک در شعر کودک و بازتاب جلوه‌های متاکرایانه آن (با رویکرد به اشعار کودکانه مصطفی رحماندوست)
- بررسی کهن الگوی سفر قهرمان در تیمیشتن دختر دلیر
- بررسی نگاه جنسیتی در داستان‌های کودکان با تکیه بر مجلات رشد نوآموز دهه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵
- بررسی و تحلیل محتوای از روزهای سادگی اثر عرفان نظر آهاری
- تحلیل روابط متن و تصویر در کتاب‌های تصویری فریده خلعتبری
- تحلیل کارایی اقتصادی آثار فرهنگی و ادبی برای ارتقاء به کودکان و نوجوانان
- ویژگی سبکی نوشته برای کودکان در دوره مشروطه
- سونات تودیع نقد کهن الگویی از عاشقانه‌های بونس در شکم ماهی نوشته جمشید خانیان

بررسی و تحلیل محتوای از روزهای سادگی اثر عرفان نظر آهاری

معصومه محمدی^(۱*)

۱. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان. قطب علمی مولوی پژوهی. اصفهان. ایران

چکیده

ادبیات کودک و نوجوان شامل سروده‌ها و نوشته‌هایی است که برای طیف خاصی از مخاطبان آثار فرهنگی و ادبی نوشته می‌شود. برای برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان انتخاب شیوه‌ها و تکنیک‌های بیانی، زبان خاص و طرح مضامین متناسب با آگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مفاهیم تعلیمی، اجتماعی و دینی و تاریخی از جمله مضامینی است که در حوزه ادبیات کودک در قالب داستان‌ها، اشعار کودکانه و ... قابل تبیین است. عرفان نظر آهاری از جمله نویسندگان پرکار و مخاطب در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است که محتوای محوری بعضی از آثار وی مفاهیم تعلیمی، اجتماعی، دینی و تاریخی است؛ بعضی از این مضامین در مجموعه *از روزهای سادگی* که شامل قطعه‌های ادبی است، به صورت خاطرات مشترک کودکان و نوجوانان با زبانی ساده و روان بیان شده است. در این پژوهش کوشش می‌شود، ضمن بیان شیوه نگارش *از روزهای سادگی* و محتوای محوری قطعات ادبی این مجموعه اهمیت و نحوه طرح موضوعات تعلیمی، اجتماعی، دینی و مذهبی را تحلیل کنیم.

واژه‌های کلیدی: از روزهای سادگی، عرفان نظر آهاری، ادبیات کودک و نوجوان، قطعه ادبی، تحلیل محتوایی.

مقدمه

ادبیات کودک و نوجوان به نوشته‌ها و سروده‌های ادبی ویژه کودکان و نوجوانان می‌گویند. این نوع ادبیات هم شامل بخشی از فرهنگ شفاهی عامه مانند لالایی‌ها، مثل‌ها، قصه‌هاست و هم داستان‌ها، نمایشنامه‌ها و اشعار و نیز نوشته‌هایی در زمینه دین، دانش اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی را دربرمی‌گیرد که نویسندگان و سراینده‌ها برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آورند (نوشه: ۱۳۷۶: ۵۹).

برخلاف پیشینه کهن ادبیات فارسی در این مرز و بوم سابقه نگارش کتاب‌هایی که به رده‌های سنی کودکان و نوجوانان اختصاص داشته باشد، در ایران قدمت چندانی ندارد. تحقیقات نشان می‌دهد که نگارش این گونه آثار از اواخر قرن سیزدهم با کتاب احمد اثر ابراهیم طالبوف در ایران آغاز شده و با گردآوری و بازآفرینی قصه‌های کهن و شعر سرودن برای کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۴۰ به بعد به صورت جدی ادامه پیدا کرده است (نصرت زادگان: ۱۳۸۷: ۱۷۶).

برای درجه‌بندی آثار مخصوص کودکان و نوجوانان توجه و در نظر گرفتن سه ویژگی اساسی در آفرینش این آثار ضروری است: نخست رعایت تناسب نوع زبان و صورخیال به کار برده شده در این آثار با میزان فهم و درک رده‌های سنی مذکور؛ دوم تنظیم مفاهیم این آثار در جهت رشد و تعالی کودکان و نوجوانان و سوم اهمیت کاربرد تصویر در کنار متن به عنوان وسیله‌ای مؤثر در انتقال پیام‌های

کتاب به خوانندگان آن (همان: ۱۷۷).

عرفان نظر آهاری از جمله شاعران و نویسندگان فعال در حوزه کودک و نوجوانان است. او با رعایت اصول مذکور توانسته است علاوه بر جلب نظر مخاطبان خود، نظر مثبت منتقدان را نیز به خود جذب کند.

نظر آهاری بیش از بیست عنوان کتاب در حوزه کودک و نوجوان نوشته و توانسته جایگاهی قابل توجه در عرصه ادبیات کودک و نوجوان بیاید: *جوانمرد نام دیگر تو*، *راز مرواریدهای شهرزاد*، *کوله پشتی ات کجاست؟*^۱، *من بیابان همسرم باد*، *وای اگر پرندۀ را بیازاری*، *پشت کوچکهای ابر*^۲، *روی تخته سیاه جهان با گنج نور بنویس*، *چای با طعم خدا*^۳، *لیلی نام تمام دختران زمین است*^۴، *نامه‌های خط‌خطی*^۵، *بال‌هایت را کجا جا گذاشتی؟*، *وقتی بزرگترها*، *از روزهای سادگی*، *ما همه آفتابگردانیم*، *قلبی بزرگتر از جهان*^۶، *در سینه‌ات نهنگی می‌تپد*، *من هشتمین این هفت نفرم*، *پیامبری از کنار خانه ما رد شد*، *هر قاصدکی یک پیامبر است* و *دو روز مانده به پایان جهان* عناوین آثار اوست. همچنین در جشنواره‌های متعدد داخلی و خارجی صاحب عناوین برتر شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: *جایزه شاعر و نویسنده برگزیده کودک و نوجوان در جشنواره «شهروند برگزیده»* از سوی شورای شهر تهران، سال ۱۳۸۴؛ *برگزیده جشنواره مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴*؛ *برگزیده جشنواره «مطبوعات رشد»*، سال ۱۳۸۲؛ *برگزیده جشنواره مطبوعات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲*؛ *برگزیده نخست کنگره شعر زنان*، سال ۱۳۸۰؛ *لوح افتخار دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان در اسپانیا* (رک: بی‌نا، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۵).

پیشینه پژوهش

با وجود شمار زیاد آثار تنها چند نوشتار از نظر آهاری به‌طور خاص بررسی شده و چند اثر نیز در خلال آثار دیگر شاعران و نویسندگان بررسی شده است، از جمله:

«چای با طعم خدا، نگاهی به شعرهای عرفان نظر آهاری»، جمال‌الدین اکرمی، *کتاب ماه کودک و نوجوان*، ۱۳۸۲، صص ۶۴-۷۱. نویسنده در این اثر به معرفی یکی از آثار نظر آهاری پرداخته است و در ضمن معرفی، ویژگی‌های ساختاری و محتوای آن را نیز تبیین کرده است.

«نقد ویژه: نقد و بررسی آثار عرفان نظر آهاری»، بی‌نا، *نمای نزدیک، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، شماره ۵۶، ۱۳۹۱، صص ۷۳-۷۵. در این اثر به اختصار و در یک نمای کلی فعالیت‌های نظر آهاری در حوزه ادبیات کودک و نوجوان بر شمرده شده است. «مقایسه انسجام واژگانی در شعر جعفر ابراهیمی و عرفان نظر آهاری» سهیلا فرهنگی و مریم یوسفی نصیری‌نژاد، *رخسار زبان*، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۶، صص ۷۴-۹۳. تحلیل ساختار آوایی و واژگانی دو شاعر حوزه ادبیات کودک و نوجوان موضوع این پژوهش است.

بدین ترتیب می‌توان گفت: اغلب آثار نظر آهاری از حیث ساختار و محتوا خارج از تیررس منتقدان و پژوهشگران قرار گرفته است. *از روزهای سادگی* مجموعه‌ای از قطعه‌های کوتاه ادبی و نوستالژیک مخصوص رده سنی کودکان و نوجوانان است که در سال ۱۳۷۵ انتشارات سوره مهر به چاپ رسانده است. حسینیه ارشاد تهران نیز این اثر را به‌صورت صوتی در سال ۱۳۹۲ ویژه نابینایان منتشر کرده است.

انتخاب نام *از روزهای سادگی* از سوی مؤلف انتخابی هوشمندانه است، به‌طوری که ذهن مخاطب را برای رمزگشایی از آن به تکاپو وامی‌دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که نویسنده در پی پرده‌برداری از کدام روزهاست؟ بدین ترتیب حداقل واکنش خواننده برای پاسخ دادن به این سؤال باز کردن کتاب است. نظر آهاری از تشبیه‌ها و استعاره‌ها و آرایه‌های ملموس و ساده برای زیبا ساختن متن بهره برده و با استفاده از ترکیبات و واژه‌های عامیانه زبان اثر را به زبان کودکان نزدیک کرده است.

بررسی مختصات محتوایی این اثر نشان دهنده رویکرد شاعر به مفاهیم مختلف و دغدغه‌های او برای بیان موضوعاتی است که

از نظر وی ضرورت دارد، در حوزه ادبیات کودک طرح شود. از این رو ضرورت دارد نحوه این اثر در مقام موضوع تحقیقی مستقل بررسی شود.

در این پژوهش برآنیم، با بررسی و تحلیل از روزهای سادگی ضمن بررسی سبک نگارش این اثر محتوای محوری قطعات ادبی این مجموعه را تبیین کنیم و میزان اهمیت و وفور مؤلفه‌های تعلیمی، اجتماعی، دینی و مذهبی را در یکی از آثار که مخاطبان بسیاری را به خود جلب کرده نشان دهیم.

بحث

ادبیات کودک و نوجوان بخشی از آثار ادبی است که تناسب محتوا و قالب آن با توانایی‌ها و روحیات کودکان بسیار اهمیت دارد (حافظی، ۱۳۶۸: ۲۸). در همه آثاری که در این حوزه تألیف شده‌اند، ذوق و سطح رشد و نضج کودکان مورد توجه است (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۲۹)، بنابراین نقد و تحلیل آثار مربوط به این شاخه ادبی از حیث محتوا بسیار مهم است. اهمیت پرداختن به این آثار از حیث صورت و محتوا در دوره معاصر بیش از پیش ملموس است. تنها در نظر داشتن مضامین نامتناسب و مغایر با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی که امروزه در قالب‌های مختلف تحت عنوان افسانه‌ها، اشعار، داستان و ... ارائه می‌شود، می‌تواند ضرورت پرداختن جدی و مسئولانه حوزه‌های پژوهشی تخصصی و فرهنگی را به این مقوله نشان دهد.

در نظر گرفتن زوایای مختلف زبانی، ادبی و فکری از محورهای اصلی تحلیل متون است. این زوایا در دانش سبک‌شناسی قابل بررسی است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳-۱۵۸). این رویکرد به آثاری که توانسته‌اند توجه طیف وسیعی از مخاطبان را به خود جلب کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عرفان نظر آهاری از جمله نویسندگانی است که در سال‌های اخیر با انتشار آثار متعدد توانسته مورد توجه مخاطبان قرار گیرد. مجموعه از روزهای سادگی یکی از آثار اوست که از نظر تنوع موضوع و مضمون قابل بررسی است. در این پژوهش به اختصار ویژگی‌های زبانی و ادبی از روزهای سادگی تبیین می‌شود و پس از آن محتوا و مضامین آن تحلیل می‌گردد.

بررسی سبک نگارش از روزهای سادگی

نحوه نگارش نظر آهاری تا حدود زیادی متأثر از سبک دوره‌ای است که در آن پرورش یافته است. به عبارت دیگر مختصات زبانی، ادبی و فکری آثار او تابع نحوه بیان و زبانی است که پیش از وی در آثار شاعران و نویسندگان نوآور معاصر چون فروغ فرخزاد، نیما و ... بنیان نهاده شده است. با این حال مهم‌ترین مشخصه آثار او کاربست عناصر زبانی و ادبی برای بیان مفاهیم توأم با یادمانه‌های خاطره‌انگیز است. این مفاهیم از محورهای اصلی مضمون‌های طرح شده در از روزهای سادگی است. پیش از پرداختن به مضامین این اثر ضروری است، مختصات زبانی، ادبی و فکری آن تبیین شود و پس از آن محتوای مجموعه قطعه‌های ادبی نظر آهاری در از روزهای زندگی نقد و تحلیل گردد.

مختصات زبانی

بررسی شیوه بیان مفاهیم، نحوه کاربرد انواع جملات، ساختار زبانی واژگان و جمله‌ها نشان می‌دهد:

الف) این اثر کاملاً ویژگی‌های نثر مرسل، ساده و روان معاصر را داراست. استفاده از واژه‌های کهن در هیچ‌یک از قطعه‌های ادبی آن دیده نمی‌شود؛ از این رو خواننده در طول متن با کلمات دشوار مواجه نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت: زبان مؤلف، زبان معیاری آمیخته با واژه‌ها و ساختار زبان عامیانه کوچ و بازار است و واژه‌های عامیانه و شکسته‌نویسی در متن آن به وفور دیده می‌شود. نمونه‌هایی از این کاربردها به صورت زیر است:

خدا و کیلی خودتان بگوید (نظر آهاری، ۱۳۷۵: ۱۴)/آخ جون معلم نداریم (همان)/برای صدسال دیگر هم کلی بچگی داشتم، پیش خودم می‌گفتم هرچه باداباد (همان: ۱۰)/خنده‌هایمان هم راستی‌راستی بود، زورکی نبود، الکی هم نبود (همان: ۵۴).

ب) واژه‌ها در این اثر به گونه‌ای در محور همنشینی در کنار هم جای گرفته‌اند که نثر مؤلف را آهنگین و گوش‌نواز کرده‌اند. نظر آهاری برای تلقین احساسات خود به خواننده از تکرار مصوت‌های بلند و کوتاه، تکرار واژه‌ها و جابه‌جایی اجزای جمله استفاده کرده است. در قطعه ادبی روز تولد آدم‌ها می‌خوانیم:

«بعضی آدم‌ها روز تولدشان تازه یادشان می‌افتد که خیلی وقت است به دنیا آمده‌اند، اما از آنجا که یک سر داشته‌اند و هزار سودا فراموش کرده بودند که به دنیا آمده‌اند و تازه یک ذره می‌ترسند و تکانی می‌خورند. با این همه زیاد به دلشان بد راه نمی‌دهند و با خودشان قرار می‌گذارند که از فردا. ولی فردا و فرداهای دیگر تندتند می‌آیند و از هم جلو می‌زنند و قول‌های آنان را زیر پا لگد می‌کنند و روزی به خودشان می‌آیند که یک سلسله روز تولد و دگر چیزها پشت سرشان قطار شده است» (همان: ۵۱).

ج) در ساختار جملات نظر آهاری اطناب و تکرار در خدمت تصویرسازی برای مضامین ذهنی، عرفانی و دینی است. در قطعه آیه‌های غریب قرآن آمده است:

«چه غریبانه زیست می‌کنی در این عصر طولانی نیرنگ، ای سراسر وحی مطلق. راستی کجاست دلی که برایش خدا را تلاوت کنی تا حلاوت را بپشانی؟ دلی را می‌گویم عاشق. کجاست، کجاست تا سخاوت سوره‌هایت را عاشقانه به او ببخشی؟» (همان: ۴۹).

د) کلیشه‌سازی: نویسنده در برخی بخش‌ها از کلمات و عبارات کلیشه‌ای چون: چاه بزرگسالی، کوچۀ کودکی، جانماز و تسبیح مادر بزرگ، کوچ پرستوها، انفجار نور، کتاب سرخ شهادت، پرواز پروانه‌ها و ... استفاده کرده است؛ به نظر می‌رسد او برای وارد شدن به ذهن خوانندگان و تحریک احساسات و خاطرات آنان، ناگزیر از یادآوری این کلیشه‌هاست. با آنکه می‌توان این کلیشه‌پردازی را به مثابه کارکرد نماد در حوزه ادبی در نظر گرفت، ولی کثرت کاربرد آن در روزهای سادگی سبب شده این مؤلفه جزئی جدایی‌ناپذیر از زبان نویسنده محسوب شود.

مختصات ادبی

با در نظر گرفتن سادگی زبان و روانی بیان، حالات و فضای کلی حاکم بر این مجموعه طبعاً آریه‌ها و صنایع ادبی که برای زیبایی آفرینی در متن به کار رفته نیز ساده و قریب‌الوصل‌اند. در این اثر به خوبی ملاحظه می‌شود که نویسنده با توجه به رده سنی مخاطبان اغلب از ساده‌ترین صورت آریه‌های تشبیه و استعاره (تشبیه بلیغ و تشخیص) استفاده کرده است. نمونه‌های عالی تشبیه و تشخیص را می‌توان در قطعه ادبی زردها، قرمزها، ارغوانی‌ها دید. شاعر در این قطعه برای پاییز شخصیتی انسانی در نظر گرفته است:

«پاییز غریبانه راه می‌رود، غریبانه آواز می‌خواند؛ اما اینجا توی شهر حتی فرصت ندارد غمگینی‌اش را زمزمه کند. آسفالت‌های سیاه خیابان آندوه او را باور نمی‌کنند. حتی بادهای شهری او را با خود نمی‌برند. میان این همه دردهای مصنوعی کسی آه سینه پاییز را تشخیص نمی‌دهد. اینجا حکومت دردهای دروغین است. دفترچه رنگارنگ پاییز سال‌هاست که خاک گرفته است. مدت‌هاست که پاییز کنار کوچۀ بی‌تفاوت نگاه‌ها کز کرده است. زردها، ارغوانی‌ها و قرمزها در حسرت یک لحظه حس شدن، پژمرده‌اند» (همان: ۳۲).

این جان‌بخشی و تشخیص با غرض ملموس جلوه دادن پدیده‌ها در سایر قطعه‌ها نیز به کار رفته است (همان: ۲۴). آریه تلمیح مناسب‌ترین انتخاب نویسنده برای یادآوری حوادثی چون مبعث، قیامت و ... است که بر بار مذهبی این اثر افزوده است. نمونه این تلمیحات در قطعه کاش در بی‌رنگی می‌رویدیم یادآور آفرینش انسان، در قطعه مثل دعای عاشق‌ترین پرستو یادآور صحنه‌های جنگ (همان: ۴۱) و در قطعه به پاس خون‌های ریخته یادآور پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است (همان: ۴۳).

تورق از روزهای سادگی نشان می‌دهد که مفاهیمی که در نظر نویسنده اهمیت داشته، از دل اتفاقات روزمره زندگی و اغلب با مقایسه میان حال شاعر و گذشته او که گذشته مشترک کودکان و نوجوانان ایرانی است، بیرون کشیده شده است و در هر قطعه ادبی با تمرکز بر موضوعی خاص، آموزه‌های نوین به مخاطبان منتقل شده است؛ به بیان دیگر نظر آهاری با یادآوری دنیای کودکی خود که در بردارنده خاطرات مشترک تمام کودکان ایرانی است و نام بردن از داستانی‌هایی چون لوبیای سحرآمیز، بند انگشتی، جوجه

اردک زشت، شازده کوچولو و ... کوشش می‌کند برای آموزش دادن و زنده کردن مفاهیم عمیق نهفته در این داستان‌ها با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار کند. او آموزش را از مقدمه این کتاب آغاز کرده است؛ به طوری که ذیل عنوان «بی‌مقدمه» آورده است: «عادت کرده‌ایم کتاب‌ها مقدمه داشته باشند، عادت کرده‌ایم دوستی‌ها مقدمه داشته باشند، حتی سلام‌ها، لبخندها، نگاه‌ها باید مقدمه داشته باشند ... بعضی وقت‌ها آنقدر به دنبال مقدمه یک سلام، یک لبخند، یک نگاه می‌گردیم که سلام از دهانمان می‌افتد. لبخندمان یادمان می‌رود و نگاهمان از فرط انتظار خوابش می‌برد.» «بیاید بی‌مقدمه دوست شویم» (همان: ۷).

بررسی محتوای از روزهای سادگی

تحلیل محتوای اثر نظر آهاری مستلزم بررسی مختصات فکری اثری است که در قالب قطعه‌های ادبی ارائه شده است. از این طریق می‌توان خطوط فکری و اندیشه کانونی نویسنده را دریافت.

مختصات فکری

بررسی محتوایی از روزهای سادگی نشان می‌دهد که در این اثر قطعه‌های ادبی با توجه به مضمونشان دسته‌بندی نشده‌اند، به بیان دیگر قطعه‌های ادبی با موضوعات مشترک پشت سر هم قرار نگرفته‌اند و در کل کتاب پراکنده شده‌اند. مضامین و درون‌مایه‌های محوری از روزهای سادگی شامل موارد زیر است:

نوستالژی (دریغ پنداشت، یادمانه)

یادکرد نشانه‌ها و تصاویر خاطره‌انگیزی که در حافظه مشترک یک نسل جای دارد، صرف نظر از تلخی و شیرینی آن خاطره‌ها، به خودی خود می‌تواند از شگردهای جلب نظر و جذب توجه مخاطب باشد. درون‌مایه‌های خاطره‌انگیز خاصه اگر مرکب از تصاویر و عباراتی باشد که یادآور ایام کودکی است، به خوبی می‌تواند سبب گرایش طیف‌های وسیع‌تری از مخاطبان باشد.

این مؤلفه در آثار نظر آهاری از محوری‌ترین و تکرار شونده‌ترین موضوعات است؛ برای مثال در چای یا طعم خدا نیز دیده می‌شود.

«نخواب بیشتر عروسکم

بگو کجاست روزهای کودکی

کجاست خواب‌های رنگی و قشنگ

کجاست شهر مردم عروسکی

کجاست بی‌بی و بهار و بوی سیب

کجاست نان و سبزی و درخت و با

کجاست آن که بی‌صدا مرا شی

به شهر قصه‌های خوب راه داد» (نظر آهاری، ۱۳۸۴: ۱۷)

اگرچه برخی منتقدان این نگرش دلتنگ کننده را برای کودکان مخاطب که امیدوارانه به آینده می‌نگرند، سؤال برانگیز تلقی کرده‌اند (اکرمی، ۱۳۸۲: ۶۶)، با این حال همین عواطف و درون‌مایه دربردارنده پیام اغتنام فرصت برای کودکان و توصیه به دریافتن مواهب ساده آنی است.

نظر آهاری در قطعه ادبی فیتیه فردا تعطیله با کاربرد واژه‌ها و عبارتهایی چون «گج آموزگار، خودکار دیپلمات و پارک»

مخاطبین خود را در لحظات تلخ و شیرین دوران کودکی غرق می‌کند (همان: ۱۴).

او در قطعه ادبی کجاست آن پاییز ده ما به یادآوری روزهای پاییزی دهات و زیبایی وصفناشدنی آن می‌پردازد و از اینکه در زندگی

شهرنشینی به روزمرگی دچار شده است و از دیدن آن همه زیبایی محروم است، اظهار بیزاری می‌کند (همان: ۲۱). نویسنده در قطعه آن سوتر از کارون نیز علاوه بر زنده کردن یاد داری که زمانی با آب و هوای آن مأنوس بوده به توصیف دوستی از دست رفته، پرداخته است (همان: ۳۰).

مفاهیم تعلیمی

با توجه به تربیت‌پذیری مخاطبان اصلی ادبیات کودک (کودکان و نوجوانان) می‌توان یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های آثار مربوط به آنان را تعلیم و تربیت دانست. نظر آهاری در اثر از روزهای سادگی کوشیده بر مؤلفه‌های تعلیمی تأکید ورزد؛ برخی از این مفاهیم تعلیمی عبارتند از:

اغتنام فرصت

بیشترین تأکید نویسنده در این کتاب بر ارزشمند دانستن زندگی در لحظه به لحظه حیات است. حسرت بزرگ و تحسر عمیق نویسنده از قدرنشناسی شیرینی‌های دوره کودکی در دو قطعه ادبی وقتی بزرگ می‌شوی و تو را به خدا بیایید بزرگ نشویم به رشته تحریر درآمده است. نظر آهاری ذیل این دو عنوان آورده است: «وقتی بزرگ می‌شوی دیگر خجالت می‌کشی به گربه‌ها سلام کنی و برای پرندهایی که آوازهای نقره‌ای می‌خوانند، دست تکان دهی» (همان: ۸). او با آوردن عبارت: «تمام بچگی‌هایم را نگاه می‌دارم، بگذار دیگران هرچه می‌خواهند، بگویند» (همان: ۱۰)، به زنده نگاه داشتن کودک درون توصیه می‌کند، گویی با آنکه زمان کودکی گذشته است، در نظر دارد با حفظ صفات پسندیده و نگاه عینی‌گرای کودکانه بر گذر سریع و نگاه‌های توأم با روزمرگی بزرگسالی غلبه و بر فرصت‌شماری از گذر ایام تأکید کند.

نظر آهاری در قطعه دلم برای خودم تنگ شده است در حسرت روزهای بی‌شیله‌پیلۀ کودکی است. روزهایی که مجبور نیست پشت نقابی ساخته شده به ایفای نقش بپردازد و از اینکه با قدم گذاشتن در دنیای بزرگسالان مجبور به وفق دادن خود با موقعیت و فاصله گرفتن از خود واقعی خویش است، ناراحت و پریشان است (همان: ۵۴).

نویسنده با آوردن قطعه ادبی زردها، ارغوانی‌ها، قرمزها و وصف پاییزهای دوران کودکی و تفاوت پاییزهای کنونی با آن زمان در پی بیان آن است که دیگر هیچ چیز مثل سابق نیست و پاییز را چون مشتی نمونه خروار در مقام شاهد مثالی عینی از گذران عمر پیش چشم خواننده می‌آورد (همان: ۳۲).

به نظر می‌رسد که درد عمیق از دست دادن پدر و مادر که در دو قطعه مادرانه و مثل یک ابر بزرگ به‌طور محسوسی بر خواننده اثرگذار است، برگرفته از تجربه‌های ملموس و شخصی است، زیرا نویسنده لحظات شیرین حضور آن دو را در زندگی‌اش با جزئیات دقیق نقل می‌کند و در پایان هردو را مسیح‌وار به آسمان عروج می‌دهد.

در قطعه ادبی مادرانه لحظات حضور مادر در منزل و در قطعه مثل یک ابر بزرگ حضور مادر در دوران گذشته همچون نماهای کوتاه در فیلم‌نامه اینگونه تصویر شده‌اند: «مادر که نماز می‌خواند، مادر که در آینه نگاه می‌کند، مادر که در خانه نیست» (همان: ۲۵). «چین دستانش فصل رنج‌های پنهان کتابی بود با واژه‌های خاکستری اندوه و کار و زحمت. پدر داستان پیکری بود که تا مرز شکستن رفته بود» (همان: ۲۸).

مضمون اغتنام فرصت در قطعه شانه‌به‌شانه ما می‌آید با تصویر مرگ در پیکری انسانی و عاداتی که نماد فوت زمان است، نمایان شده و بر حضور دوشادوش مرگ در کنار انسان تأکید کرده است: «مرگ، گوش کوچکی‌ها پر از صدای رفتن است، باعجله می‌گذریم و صدای رفتن آدم‌ها و لحظه‌ها را می‌شنویم، اما او همیشه با ماست، مرگ را می‌گویم، قدم‌هایمان را می‌شمارد، ساعتش را نگاه می‌کند و منتظر است» (همان: ۲۳).

عبرت از شکست‌ها و پرهیز از سرزنش خویش

عبرت و حفظ توان برای بازسازی آثار شکست با توصیه به پرهیز از سرکوب قوای درونی با سرزنشگری از توصیه‌های نویسنده در قطعه ادبی اگر، اگر نبود است. او در این قطعه خواننده را از سرزنش خویش برای آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، بر حذر می‌دارد (همان: ۱۸) و در آگر آب باشی فواره باشی با آوردن عبارت: «هیچ‌وقت نگو که شکستی نگو همه چیز تمام شد» کوشش می‌کند مخاطب را به لحظه‌ای درنگ در لحظات تلخ گذشته و درس گرفتن از فراز و نشیب‌های زندگی دعوت کند (همان: ۱۶).

توصیه و تأکید بر منش انسانی: قدرشناسی، محبت، بخشش و ایثار

توصیه به منش انسانی، صفات پسندیده و واکنش‌های مثبتی بر عواطف و رفتار کمال یافته در انسان از جمله مضامین عرفانی، اخلاقی و تعلیمی است که از دیرباز تا کنون بخش‌های وسیعی از ادبیات متعهد را دربر گرفته است. در آثار نظری آهاری نیز این مؤلفه‌ها به وفور دیده می‌شود. او در *روزهای سادگی* با به‌کارگیری تکنیک پنهان کردن شخصیت در قطعه ادبی برای دست‌هایش دعا کنیم بدون اینکه نامی از شخصیت رفتگر بیاورد به وصف زحمات او می‌پردازد و با مطابق دانستن زمان کار او با طلوع و غروب آفتاب سهمی از گرمای موجود در محله خود را از آن او می‌داند (همان: ۲۰). اگرچه زبان نوشتار او در این قطعه اندکی نامفهوم است، اما تا پایان متن نشانه‌های کافی برای پی بردن به شخصیت مورد بحث به خواننده داده می‌شود. او در دو قطعه ادبی باید همیشه بود تا آفتاب شد و مثل دعای عاشق‌ترین پرستو مخاطبان خود را با مفاهیمی چون محبت و ایثار بی‌چشم‌داشت آشنا می‌کند. در بخشی از متن قطعه باید همیشه بود تا آفتاب شد می‌خوانیم: «می‌خواهم آفتاب باشم با اینکه دلم پر از زمستان است. باید دعا کنی نگاه آدم‌ها پر از آینه بشود و دستانشان پر از صافی. باید قلبت را خیلی بزرگ کنی و همه دریاها را ببری آنجا. برای آفتاب شدن باید یک لب‌خند شد، یک لب‌خند بلند که از این طرف آسمان تا آن طرف آسمان کشیده شود و آن وقت باید همه مهربانی‌ها را روی آن نقاشی کرد و پاشید روی همه چیز» (همان: ۲۳). او در مثل دعای عاشق‌ترین پرستو شخصیت ایثارگران جنگ تحمیلی را چنین توصیف می‌کند: «مطمئنم آن‌هایی که رفتند، بزرگ بودند. آنقدر که در دلشان سخاوت جای می‌گرفت و در تب و تاب ایثار قلبشان می‌تپید» (همان: ۴۱).

عرفان نظری آهاری شکل نوشتار خود را در چند قطعه این اثر از حالت ساده‌نویسی به حالت معمانویسی تغییر داده است؛ بدین معنی که برخلاف شیوه روایت مستقیم او در سایر قطعات با دادن نشانه‌ها و نمادها کوشیده مخاطب را به شخصیت مورد نظر خود راهنمایی کند، به طوری که در بخشی از برای دست‌هایش دعا کنیم رفتگر محله را اینگونه وصف کرده و او را همچون اسطوره‌ای ترفیع مقام می‌دهد:

«هر روز اندوه کوچه ما را می‌رود، بی‌آنکه برای ناتوانی دست‌هایش قوتی فرستاده باشیم. صبح‌ها همراه خورشید به کوچه می‌آید و شب‌ها هنوز هست که خورشید می‌رود» (همان: ۲۰).

مفاهیم اجتماعی

مفاهیم انسانی در کتاب *روزهای سادگی* عرفان نظری آهاری در سه بعد فردی، اجتماعی و جهانی مطرح شده است. در قطعه *آی آدم‌ها چر؟* افعال عناصر طبیعت به‌عنوان الگویی برای خدمت صادقانه و بی‌چشم‌داشت و خوب بودن و خوبی کردن بدون در نظر گرفتن بدی‌های دیگران به مخاطبان معرفی می‌شود. مؤلف در این قطعه با درج سئوالاتی کوتاه درباره افعال برخی عناصر در طبیعت نظر خوانندگان را برای انطباق الگوی رفتاری آن‌ها بر الگوهای رفتاری انسان جلب می‌کند. در بخشی از این قطعه می‌خوانیم: «هیچ وقت از خورشید خواستی که اصل تور را به تو نشان بدهد؟ تو مطمئنی که آفتاب ترجمه کلمه به کلمه کتاب نور است و آسمان، آسمان مهربان هرروز هزار نسخه از این کتاب را به همه می‌دهد. حتی با آن‌هایی که با او قهرند و دوستش ندارند نور

می‌دهد و هیچ‌چیز هم نمی‌گیرد» (همان: ۳۵).

در قطعه به پاس خون‌های ریخته، با تشریح علل شروع نخستین جرقه‌های انقلاب اسلامی در ایران، از خفقان موجود در جامعه ایرانی و نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی در آن زمان به‌عنوان علل اصلی شروع این حرکت انقلابی نام برده می‌شود (همان: ۴۳). و در قطعه کاش در بی‌رنگی می‌رویبیدیم با بازگویی داستان آفرینش انسان همه آن‌ها را مخلوقی خاکی می‌داند و به مخاطبان خود القا می‌کند که ارزش هر انسان از روی رنگ و نژاد سنجیده نمی‌شود و نباید به این واسطه عده‌ای خود را حاکم بر دیگری بدانند و ظلم و جنگ و خونریزی را در جهان گسترش دهند (همان: ۳۷).

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«نمی‌دانم آن روزی که فرشته به زمین آمد تا از هرگلی خشک و تر و شور و شیرین، سیاه و سفید سرخ و زرد مشت‌ی بگیرد، آیا می‌دانست رنگ یعنی اختلاف، یعنی ظلم، یعنی سال‌ها کشتن و خونریزی، یعنی سال‌ها برده‌داری، تازبانه و شلاق. آیا واقعاً می‌دانست روزی می‌رسد که بعضی رنگ‌ها مظلوم می‌شوند و بعضی ظالم؟ بعضی رنگ‌ها مستضعف می‌شوند و بعضی مستکبر؟ کاش می‌دانستم حکومت رنگ بر رنگ بر پایه کدامین اعتبار است!» (همان: ۳۷)

مفاهیم دینی

مفاهیم دینی و مذهبی یکی از موضوعات کانونی اندیشه نظر آهاری است، از این رو در محتوای تاریخی و تعلیمی نیز می‌توان رد پای اشارات مذهبی و دینی را ملاحظه کرد. به هر روی در برخی از قطعات ادبی مجموعه از روزهای سادگی به‌طور خاص به تبیین موضوعات دینی و مذهبی در قالب قطعه ادبی پرداخته شده است. این مفاهیم به‌سادگی به مثابه تمثیل‌هایی ملموس و تجربه شده است؛ برای مثال نویسنده در قطعه ادبی امتحان امتحان‌های دوران مدرسه را به امتحان‌های زندگی تعمیم می‌دهد تا راه را برای شرح مفهوم دینی معاد و قیامت باز کند:

«امتحان همیشه وحشتناک است حتی وقتی خوابش را می‌بینی، بیان جزء به‌جزء صحنه‌های امتحان به‌شدت نوستالژیک است. از امتحان‌های مدرسه به امتحان‌های زندگی می‌رسد و نمی‌دانی هرچا که به روی پاهایت بر روی ورقه‌های امتحان هستند، یادآوری قیامت و کارنامه به دست گرفتن، آن موقع است که آرزو می‌کنی کاش می‌شد به دنیا برگردی و یکبار فقط یک‌بار دیگر زندگی را امتحان بدهی» (همان: ۳۹).

قطعه آیه‌های غریب قرآن گفت‌وگویی است میان نویسنده و خدا و بر فلسفه دعا و جاودانگی و وحدانیت خدا دلالت دارد. در بخشی از آن می‌خوانیم:

«تو تا ابدیت می‌مانی تا اجابت کنی دست‌هایی که تو را می‌خوانند» (همان: ۴۹).

نظر آهاری در قطعه ادبی آن/اتفاق می‌افتد به دنبال تلطیف مفهوم انتظار برای امام زمان و تصور دنیای بهتر و زندگی زیبایی است که پس از این اتفاق در انتظار آدمی است. او در تشریح این شرایط چنین می‌نویسد:

«همیشه منتظر آن اتفاقم که نمی‌دانم چه شکلی است، ولی می‌دانم خیلی قشنگ است، می‌دانم که بزرگ است و نورانی مثل لبخندهای مادر بزرگ. نمی‌دانم، شاید آن اتفاق شکل بهار است. شکل آن بهاری که می‌آید و توی باغچه همه خانه‌ها ماندگار می‌شود» (همان: ۱۲).

مفاهیم تاریخی

همان‌طور که پیش از این اشاره شد بخشی از موضوعات مذهبی را می‌توان توأم با مفاهیم تاریخی در نظر گرفت و بدان سبب که صراحت بیان در شناسایی شخصیت‌ها به‌کار نرفته، می‌توان به آن‌ها از زاویه نمادهای اسطوره‌گونه نگریست. نظر آهاری در قطعه‌های ادبی خلاصه رستگاری و تو را کویر صدا می‌کردند مانند قطعه ادبی برای دست‌های دعا کنیم نیز به

شیوه معماگونه، بدون اشاره‌ای به نام شخصیت‌های خاصی که در نظر داشته (رفتگر محله، پیامبر (ص)، امام حسین (ع)) با دادن برخی نشانه‌ها به شناساندن آن‌ها پرداخته است. او علاوه بر نشان دادن مهارت خود در نوشتن معماگونه به معرفی دو اسطوره مذهبی یعنی پیامبر (ص) و امام حسین (ع) در دو قطعه زیر پرداخته است:

او در قطعه خلاصه رستگاری خلاصه‌ای از زندگی پیامبر (ص) از زمان تولد او در حجاز تا بت شکستن او و نازل شدن قرآن در شب قدر بر او و مبعوث شدنش به پیامبری را نقل می‌کند (همان: ۴۴) و در تو را کویر صفا می‌کردند بدون اینکه نامی از امام حسین (ع) بیاورد، اینگونه به وصف مرارت‌های امام حسین (ع) و بارانش و درس‌هایی که از آن‌ها آموخته است می‌پردازد:

«من از کودکان خسته کوچه‌های داغ تو که دست‌هایشان از عطش پر بود نشانی دریا را شنیدم و تو خون لحظه‌هایت را به آسمان هدیه داده بودی» (همان: ۴۶).

جمع‌بندی تحلیل محتوایی کتاب از روزهای سادگی

بررسی محتوایی از روزهای سادگی نشان می‌دهد:

الف) اندیشه کانونی بازگشت به ارزش‌ها و عواطفی که در گذر زمان کمرنگ و بی‌اهمیت جلوه کرده‌اند، از دغدغه‌های اصلی نظر آهاری است. این ارزش‌ها با مفاهیم و عناصر دیگری چون درون‌مایه‌های تعلیمی، دینی، اجتماعی و اخلاقی درآمیخته و به کمک عناصر ادبی و زبانی تبیین شده است. به‌طور کلی این اندیشه کانونی بدان سبب که دربردارنده نوعی دل‌تنگی و میل به مرور خاطرات شیرین است، عواطف و همراهی مخاطبان را برمی‌انگیزد.

ب) بیشتر برداشت‌های نویسنده از گونه تفسیرهای شخصی و نگاه‌های منحصر به خود اوست، زیرا در هیچ‌یک از داستان‌های کوتاه و یا قطعه‌های ادبی این اثر به منبعی خاص استناد نمی‌شود. حتی در ترجمه آیات قرآنی به نام سوره و یا اشاره‌ای به آنکه مطلب ترجمه آیه‌ای از قرآن است، نشده است.

در بعضی از مواضع کاربرد عبارتی خاص در متن یک کتاب از اثری از نویسنده دیگر اقتباس شده است، اما نظر آهاری خود را ملزم به یادآوری این مطلب نمی‌داند؛ برای مثال می‌توان به عنوان قطعه ادبی زردها، قرمزها، ارغوانی‌ها در کتاب از روزهای سادگی اشاره کرد که به‌نظر می‌رسد برگرفته از بخشی از شعر پرسش از دفتر تولدی دیگر فروغ فرخزاد است، اما نویسنده در متن کتاب هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است:

«سلام ماهی‌ها ... سلام ماهی‌ها

سلام، قرمزها، سبزها، طلایی‌ها» (فرخزاد، ۱۳۷۶: ۳۳۵)

به‌طور کلی نگاه نویسنده به پدیده‌ها مبتنی بر تجربیات شخصی و دریافت‌ها و برداشت‌هایی است که خود از حوادث و گذر زمان داشته است. او کوشیده خوانندگان را نیز در احوال و برداشت‌های خود شریک کند.

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل آثار ادبی شاخه ادبیات کودک و نوجوان از نیازهای ضروری تحقیق و پژوهش در این حوزه است. بررسی کتاب از روزهای سادگی که یکی از آثار عرفان نظر آهاری، شاعر و نویسنده پرکار در این حوزه است، موضوع پژوهش حاضر است. بررسی مختصات زبانی، ادبی و فکری این اثر نشان می‌دهد، عناصر زبانی و ادبی در خدمت تبیین مفاهیم و مضامین است و زیباسازی کلام و ساختار زبانی مانع از دریافت معانی نیست. ذهن نظر آهاری در قطعه‌های ادبی این کتاب میان فضای بزرگسالی و کودکی و نوجوانی معلق است و به همین دلیل بعد نوستالژیک در نوشته‌های او به طرز چشمگیری تقویت شده است. او کوشیده با طرح خاطرات مشترک کودکان و نوجوانان رشد کرده در فرهنگ ایرانی در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین حجم نوشته بیشترین پیام را به خوانندگان خود منتقل کند و در این راه از قوی‌ترین ابزار یعنی زبان مردم بهره جسته است. نظر آهاری در آثار خود به وفور از احادیث، آیات

قرآن، داستان‌های دینی و تاریخی مانند داستان حضرت یونس، خضر و ... استفاده کرده است، اما چندان به ارجاع دقیق مطالب ذکر شده به منابع آن‌ها پای‌بند نیست و چنین به‌نظر می‌رسد که او کوشش می‌کند تا با اتکا بر دانسته‌های خویش متن کتاب را پیش‌برد. عرفان نظر آهاری در نوشتار خویش اغلب از زبان ساده و مطابق زبان معیار امروز، جملات کوتاه، آرایه‌های ادبی ساده، چون تشبیه، استعاره، تلمیح، تضمین و تکرار استفاده می‌کند و در مواردی که بر حسب موضوع کتاب ناگزیر به استفاده از نگارش قرآنی و یا سبکی خاص از نوشتن است، از واژه‌های ثقیل و صورت‌های کهن غریب استفاده نکرده است. نظر آهاری با بهره‌گیری از مهارت در انتخاب عنوان مناسب، تصویرگری‌های جذاب، لحن صمیمانه و واکنش‌های طبیعی نه قهرمانانه در مواجهه با کنش‌ها داستانی که انعکاسی از تجارب شخصی نویسنده است، موفق به جذب مخاطب و انتقال مفاهیم موردنظر خود به خوانندگان آثارش شده است. توفیق او در این زمینه به اندازه‌ای است که نه تنها موفق به جذب قشر مخاطب شده است، بلکه رده‌های سنی بالاتر نیز به راحتی با آثار او ارتباط برقرار می‌کنند.

منابع

- اکرمی، جمال‌الدین. (۱۳۸۲). «جای با طعم خدا»، نگاهی به شعرهای عرفان نظر آهاری، کتاب ماه کودک و نوجوان. ۱۳۸۲. صص ۶۴-۷۱.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). دانش‌نامه زبان و ادب فارسی. تهران: سمت.
- بی‌نا. (۱۳۹۱). «نقد ویژه: نقد و بررسی آثار عرفان نظر آهاری». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. ش ۵۶. ۱۳۹۱. صص ۷۳-۷۵.
- حافظی، علیرضا. (۱۳۶۸). گفت‌و شنود؛ در بررسی و شناخت ادبیات کودک و نوجوان. تهران: نشر شمع.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۶۴). ادبیات کودکان. تهران: اطلاعات.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). کلیات سبک شناسی. تهران: فردوس.
- فرخزاد، فروغ. (۱۳۷۶). دیوان اشعار فروغ فرخزاد. به کوشش بهروز جلالی. تهران: مروارید.
- نصرت‌زادگان، نسترن. (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی آثار صمد بهرنگی و شل سیلور استاین». مجله ادبیات کودک و نوجوان. ش ۶. صص ۱۷۵-۲۰۰.
- نظر آهاری، عرفان. (۱۳۷۵). از روزهای سادگی. تهران: سوره.
- _____ (۱۳۸۴). جای با طعم خدا. تهران: افق.